

دعای روز بیست و سوم

اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَ امْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ
بِتَقْوَى الْقُلُوبِ يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُدْنِبِينَ:

ای خدا در این روز مرا از گناهان پاکیزه گردان و از هر عیب و نقص پاک ساز
و دلم را با رتبه دل‌های اهل تقوی آزمایش کن. ای پذیرنده عذر لغزش‌های
گنهکاران.

ترجمه منظوم دعا

ای خدا ای فارغ هم و کروب	خالق اشجار و اثمار و حبوب
شستشو فرما در این ماه کریم	این حقیر پر خطا را از ذنوب
کن مطهر ز آب عفو و رحمتت	آنچه باشد در وجودم از عیوب
عیب من یا رب بود از حد فزون	مثل من کس نی ز مشرق تا غروب
نیست اندر خطه غیرا چو من	در شقاوت از شمال و هم جنوب
نقص من بیرون ز تعداد و شمار	عیب من روشن تر از جنس اروپ
امتحان فرما در این مه قلب من	با افاضات به تقوای قلوب
خوش به حال آن‌که باشد در جهان	صاحب تقوا و فارغ از خطوب
چشم پوش از لغزش من، این بود	خواهش عبد بد از مولای خوب
یا مقیل عثرات المذنبین	بگذر از تادیب سوط و ضرب چوب

فقره اول: شستو از گناهان

اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ:

ای خدا در این روز مرا از گناهان شستشو فرما.

ما در ماه مبارک رمضان میهمان سفره پر برکت الهی هستیم و باید خودمان را برای
این ضیافت آماده کنیم تا با دلی پاک به این میهمانی برویم؛ بنابراین از خداوند
می‌خواهیم ما را از گناهان شستشو بدهد و لیاقت آن را بدهد که از این میهمانی استفاده
کنیم.

گناه در لغت به معنای بزه، جرم، خطا و نافرمانی است که در زبان عربی به ذنب و اثم و معصیت تعبیر شده است و معنایی که بر همه آنها صدق می‌کند و بلکه جامع همه معنایی است، همان نافرمانی و انجام عمل برخلاف قانون و سرپیچی از قانون است و یا اینکه انسان مکلف، مرتکب کاری نامشروع و خلاف شرع گردد. در واقع می‌توان گفت گناه عبارت است از خروج از طاعت خدای متعال و روی آوردن به آنچه از انجام آن در شرع مقدس نهی شده‌ایم و کسی که از طاعت خدا و رسول سر باز زند و به نافرمانی آنان پردازد و از حدودی که خداوند برای انسان‌ها ترسیم فرموده، تجاوز کند، گناهکار شناخته شده و مستوجب عذابی ذلت‌بار و خوارکننده می‌گردد. این معنا در قرآن کریم به آن اشاره شده و می‌فرماید:

«وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ»^۱

زشتی‌ها و گناهانی که از انسان صادر می‌شود، در دل و جان آدمی ایجاد تاریکی و ظلمت می‌نماید؛ زیرا وجود انسان مانند حریری لطیف و سفید می‌ماند که اگر در معرض گرد و خاک و کثافات قرار گیرد، تیره می‌شود و اگر با اولین نکته سیاهی که بر آن پارچه نشست شستشو داده نشود، تیرگی در پارچه نفوذ پیدا می‌کند و کم‌کم بر این سیاهی افزوده می‌گردد، تا زمانی که دیگر جای سفیدی در آن حریر لطیف یافت نمی‌شود. گناهان و تیرگی‌هایی که بر وجود آدمی اثر می‌گذارد، بر حسب صفات و خصوصیات انسان متغیر می‌باشد، باید آنها را بشناسد و در سدد زدودن آنها و شستشوی دل از آن کثافات و گناهان برآید.^۲

در یک تقسیم‌بندی گناهان به دو بخش تقسیم می‌شوند: دسته اول گناهان کبیره و دسته دوم گناهان صغیره و اگر انسان از انجام گناهان بزرگ اجتناب کند، غیر آنها به واسطه فضل الهی بخشیده می‌شود.

«إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ»^۳: چنانچه از گناهان کبیره‌ای

که شما را از آن نهی کرده‌ایم، دوری گزینید، ما از گناهان دیگر شما می‌گذریم. بنا بر قول مشهور آن دسته از گناهان که خداوند تبارک و تعالی به آنها وعده عذاب داده، گناهان کبیره خوانده می‌شوند. ناگفته نماند که اصرار بر گناهان صغیره نیز گناه کبیره شمرده است. پس انسان باید تلاش کند که حتی بر گناهان صغیره اصرار نرزد و انجام آنها برای او عادت نشود.

۱. نساء: ۱۴.

۲. اصول کافی؛ ج ۲، ص ۱۷۳.

۳. نساء: ۳۱.

کسی که طلب می کند **اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ**؛ باید به گناهان خود در پیشگاه خداوند متعال اعتراف کرده و با ندبه و دعا به پیشگاه ذات باری تعالی محبت او را به خود جلب نماید تا موجبات پذیرش توبه اش فراهم آمده و امید داشته باشد که خداوند توبه پذیر، تائبین را دوست دارد.

راه های پاک شدن از گناه

۱. اقرار بر گناه

یکی از راه های پاک شدن از گناه اقرار بر آن گناه می باشد. البته در دستورات اسلامی اقرار به گناه را فقط در محضر باری تعالی جایز می داند و به هیچ کسی اجازه نمی دهد که برای کسی گناه خود را بیان کند.^۱

«**أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّهُ وَاللَّهِ مَا خَرَجَ عَبْدٌ مِنْ ذَنْبٍ بِإِصْرَارٍ وَمَا خَرَجَ عَبْدٌ مِنْ ذَنْبٍ إِلَّا بِأَقْرَارٍ**»:^۲ امام صادق عليه السلام: همانا به خدا قسم بنده از گناه، با اصرار بر گناه خارج نمی شود و بنده از گناه خارج نمی شود مگر با اقرار بر گناه.

«**الْشَّيْخُ الْمُفِيدُ فِي الْأَخْتِصَاصِ، عَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ الْمُمْرُؤُ بِذَنْبِهِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ [وَإِذَا كَانَ الرَّجُلُ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ فِي صَلَاتِهِ] وَيَقْرَأُ لِلَّهِ بِذَنْبِهِ وَيَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ وَفِي عَهْدِهِ أَنْ لَا يَرْجِعَ إِلَيْهِ فَاللَّهُ يَغْفِرُ لَهُ إِنْ شَاءَ**»:^۳

امام عليه السلام: اقرارکننده به گناه مثل کسی است گناهی بر او نیست. [و وقتی که مرد در دل شب و در نمازش باشد] و اقرار کند برای خدا به گناهش و طلب توبه کند و به گناهش بر نگردد؛ پس خداوند او را می بخشد! هر قدر که بخواهد.

۲. توبه و استغفار

یکی از راه های پاک شدن از گناه توبه و استغفار از گناه و آن هم بازگشتی که دیگر به آن برنگردد، انسان را به جایی می رساند که مساوی با کسی است که دیگر گناه نکرده است. مصداق شستن گناه، توبه می باشد.

امام باقر عليه السلام می فرماید:

«**التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ**»:^۴ توبه کننده از گناه، مانند کسی است که گناه

ندارد.

۱. سایت راسخون.

۲. کافی؛ ج ۲، ص ۴۲۶.

۳. مستدرک الوسائل؛ ج ۱۲، ص ۱۱۶.

۴. ارشاد القلوب الى الصواب؛ ج ۱، ص ۱۸۰.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لَوْ عَمِلَ ذَلِكَ الْيَوْمَ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ ذَنْبٍ وَ مَنْ عَمِلَ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ ذَنْبٍ فَلَا خَيْرَ فِيهِ»^۱ کسی که بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه استغفار کند، خداوند او را می بخشد اگر چه عمل آن روز او بیشتر از هفتاد هزار گناه باشد. و کسی که در روز عمل او اکثر از هفتاد هزار گناه باشد، خیری در آن روز برای او نمی باشد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که طلب استغفار کند از خداوند عزوجل بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه، خداوند در آن روز هفتصد گناه می بخشد؛ پس اگر برای او [گناه] نباشد، برای پدرش می بخشد و اگر برای پدرش [گناه] نباشد، برای مادرش می بخشد و اگر نبوده باشد، برای مادرش، پس برای برادرش می بخشد و اگر برای برادرش نباشد، برای خواهرش و اگر برای خواهر هم گناهی نبود، برای نزدیک به او...»^۲

توبه و استغفار حقیقی

امام علی علیه السلام به مردی که در حضور آن حضرت استغفار کرد، چنین فرمود:
«تَكَلَّتْكَ أُمُّكَ أَتَدْرِي مَا الْإِسْتِغْفَارُ إِنَّ الْإِسْتِغْفَارَ دَرَجَةُ الْعَلِيِّنَ وَ هُوَ أَسْمُ وَاقِعٍ عَلَى سَيِّئَةِ مَعَانٍ»:

مادرت برای ت بگرید، آیا می دانی استغفار چیست؟ استغفار درجه شریفان بلندمرتبه است و اسمی است که بر شش معنی اطلاق می شود.

أَوَّلُهَا: النَّدَمُ عَلَى مَا مَضَى: پشیمانی از گذشته؛

وَالثَّانِي: الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعَوْدِ إِلَيْهِ أَبَدًا: تصمیم بر عدم تکرار گناه برای همیشه؛
وَالثَّلَاثُ: أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ حَتَّى تُلْقَى اللَّهَ أَمْلَسَ عَلَيْكَ تَبِعَةً:

پرداخت حقوق مردم تا به هنگام ملاقات با خدا حقی بر تو نباشد؛

وَالرَّابِعُ: أَنْ تَعَمَّدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ ضَيَعْتَهَا تُؤَدِّي حَقَّهَا: به جا آوردن فریضی

که درست به جا نیآورده ای؛

وَالْخَامِسُ: أَنْ تَعَمَّدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى السُّحْتِ فَتَدْيِبُهُ بِالْأَخْزَانِ حَتَّى يَلْصِقَ

الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ وَ يَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ: ذوب کردن گوشتی که از حرام بر بدنت

روئیده به وسیله حزن و اندوه تا پوست به استخوانت بچسبد؛

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۶، ص ۴۸۰.

۲. أمالی صدوق؛ ص ۲۵۵.

وَالسَّادِسُ: أَنْ تَذِيقَ الْجِسْمَ أَلِيمَ الطَّاعَةَ كَمَا أذَقْتَهُ حَلَاوَةَ الْمُعْصِيَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ: چشاندن رنج و زحمت عبادت به جسم؛ همان گونه که لذت معصیت را
چشیده است. پس از آنکه همه این مراحل را طی کردی، آن گاه بگو استغفرالله.

۳. اقامه نمازهای واجب

اقامه نماز یکی از راههایی است که می تواند در بخشش گناه موثر باشد.
«أَقِمِ الصَّلَاةَ ... إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»^۱: نماز را اقامه کن؛ چرا که خوبی ها،
بدی ها را از بین می برد.

در روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده است:
«نماز پنج گانه به نهر آبی تشبیه شده است که روزانه پنج بار انسان خود را در آن
نهر شستشو می دهد».^۲

۴. نماز شب

یکی از پاک کننده های گناه، نماز و عبادت فرد مؤمن در شب می باشد؛ یعنی غیر از
ثوابی که نماز شب دارد، یکی از آثارش شستشودادن گناه مؤمن می باشد.
امام صادق علیه السلام فرمودند:
«صَلَاةُ الْمُؤْمِنِ بِاللَّيْلِ تَذْهَبُ بِمَا عَمِلَ مِنْ ذَنْبٍ بِالنَّهَارِ»^۳: نماز مؤمن در شب
گناهی که در روز انجام داده است را از بین می برد.

۵. شب زنده داری

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَامَ لَيْلَهُ ثُمَّ أَصْبَحَ صَائِمًا نَهَارَهُ لَمْ يُكْتَبْ
عَلَيْهِ ذَنْبٌ وَ لَمْ يَخْطُ خَطْوَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا حَسَنَةً (وَ لَمْ يَتَكَلَّمْ بِكَلِمَةٍ خَيْرٍ إِلَّا
كَتَبَ لَهُ بِهَا حَسَنَةً) وَ إِنْ مَاتَ فِي نَهَارِهِ صَعِدَ بِرُوحِهِ إِلَى عَلِيِّينَ وَ إِنْ عَاشَ حَتَّى يُفْطِرَ
كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْأَوَّابِينَ»^۴: امام باقر علیه السلام: به درستی که مومن وقتی شب را بیدار باشد و
صبح کند در حالی که آن روز را روزه بدارد، برای او گناهی نوشته نمی شود و قدمی را
بر نمی دارد مگر اینکه برای او حسنه ای نوشته می شود. [کلمه خیری نمی گوید مگر اینکه

۱. هود: ۱۱۴.

۲. بحار الانوار؛ ج ۸۴، ص ۲۴۰.

۳. کافی؛ ج ۳، ص ۲۶۶.

۴. وسائل الشیعة؛ ج ۱۰، ص ۴۰۶.

برای او حسنه‌ای نوشته می‌شود] و اگر در آن روز بمیرد، روح او به علیین بالا برده می‌شود و اگر بماند تا اینکه افطار نماید، خداوند او را از توابین می‌نویسد.

۶. قرائت قرآن

فضیلت سوره قدر در پاک‌شدن گناه

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «کسی که سوره قدر را با صدای بلند بخواند، مثل شمشیرزدن در راه خدا می‌باشد و کسی که در خفا بخواند، مثل کسی می‌باشد که خونس را در راه خدا داده است و اگر بخواند این سوره را ده مرتبه، برای او هزار گناه از گناهانش بخشیده می‌شود».^۱

۷. ذکر

امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که هنگام خواب صد مرتبه بگوید: لا اله الا الله، خداوند در بهشت برای او خانه‌ای بنا می‌کند و کسی که صد مرتبه استغفار کند؛ مثل اینکه شب را بیدار بوده و همه گناهانش می‌ریزد؛ مثل ریختن برگ درخت و صبح می‌کند در حالی گناهی بر او نیست».^۲

۸. دعا

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «هر کس این کلمات را در هر روز ده مرتبه بگوید، خداوند متعال چهل هزار گناه کبیره از او می‌بخشد و او را از بدی مرگ و از تنگی قبر و از روز قیامت و حساب و احوال قیامت که صد هول می‌باشد و راحت‌ترین آن مرگ می‌باشد، نجات می‌دهد و نکه می‌دارد از شر ابلیس و لشکریانش و دینش را ادا می‌کند و هم و غمش را برطرف می‌کند و سختی‌های او را گشایش می‌دهد و این کلمات برای هر هولی شمرده شده است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ عَمٍّ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ رَحَاءٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ أَعْجُوبَةٍ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ لِكُلِّ مُصِيبَةٍ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ وَ لِكُلِّ ضَيْقٍ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ لِكُلِّ قَضَاءٍ وَ قَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لِكُلِّ عَدُوٍّ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ وَ لِكُلِّ طَاعَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ لَّا حَوْلَ وَ لَّا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».^۳

۱. کافی؛ ج ۲، ص ۶۲۱.

۲. بحار الأنوار؛ ج ۸۴، ص ۱۷۵.

۳. مستدرک الوسائل؛ ج ۵، ص ۳۷۹.

۹. حج و عمره

رسول خدا ﷺ فرمود: «الْحَجَّةُ ثَوَابُهَا الْجَنَّةُ وَالْعُمْرَةُ كَفَّارَةٌ لِكُلِّ ذَنْبٍ»^۱ حج [واجب] ثوابش بهشت می‌باشد و عمره کفاره برای هر گناه می‌باشد.

۱۰. زیارت امام حسین علیه السلام

امام رضا علیه السلام فرمودند: «يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ سَرْكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ وَلَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَزُرِ الْحُسَيْنَ يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ سَرْكَ أَنْ تَسْكُنَ الْغُرْفَ الْمُبِينَةَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ فَالْعَنْ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ سَرْكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلُ مَا لِمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَقُلْ مَتَى ذَكَرْتَهُمْ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً»^۲ ای پسر شیب! اگر دوست داری وقتی خداوند را ملاقات می‌کنی، گناهی بر تو نباشد؛ پس حسین علیه السلام را زیارت کن. ای پسر شیب! اگر دوست داری که در غرفه‌های ساخته شده در بهشت با نبی اکرم ﷺ باشی؛ پس قاتلین حسین علیه السلام را لعن کن و اگر دوست داری برای تو مثل ثواب شهادتی که با حسین علیه السلام بودند باشد؛ پس وقتی که آنها را یاد می‌کنی، بگو: ای کاش با شما بودم و رستگار می‌شدم رستگار شدنی بزرگ!

امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که اراده کرده در کرامت الهی در روز قیامت قرار گیرد و در شفاعت محمد ﷺ؛ پس زیارت‌کننده حسین علیه السلام باشد، با فضیلت‌ترین کرامت‌ها از طرف خداوند به او می‌رسد و بهترین ثواب‌ها و در زندگی دنیا از گناه عمل او سؤال نمی‌شود. اگر چه عدد گناهان او به تعداد ریگ‌های انبوه و کوه‌های مکه و کف‌های دریا باشد. به درستی که حسین بن علی علیه السلام مظلوم کشته شد و ستم شده بر او در حالی که او و خانواده‌اش تشنه بودند»^۳.

۱۱. بیماری و درد مؤمن

شخصی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کرد: آیا بیماری اجر دارد؟ حضرت فرمود: آجر، مال عمل است. بیماری عمل نیست و اجر ندارد؛ ولی همان‌گونه که باد خزان برگ‌ریزان می‌کند، بیماری نیز گناهان انسان را می‌زداید.

۱. کافی؛ ج ۴، ص ۲۵۳.

۲. وسائل الشیعه؛ ج ۱۴، ص ۴۱۷.

۳. بحار الأنوار؛ ج ۹۸، ص ۲۷.

امام رضا علیه السلام فرمود: «الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهِيرٌ وَ رَحْمَةٌ وَ لِلْكَافِرِ تَعْذِيبٌ وَ لَعْنَةٌ وَ إِنَّ الْمَرَضَ لَا يَزَالُ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّىٰ مَا يَكُونُ عَلَيْهِ ذَنْبٌ»^۱ بیماری برای مؤمن پاکیزگی و رحمت و برای کافر عذاب و لعنت می‌آورد و بیماری برای مؤمن چندان ادامه پیدا می‌کند تا گناهانش همه بریزد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «خداوند متعال می‌فرماید: بنده‌ای نیست که اراده کرده باشم او را داخل بهشت کنم؛ مگر اینکه جسم او را مبتلا می‌کنم به بیماری. برای اینکه کفاره گناه او باشد و یا اینکه مرگ را بر او سخت می‌گیرم، تا وقتی نزد من بیاید گناهی بر او نباشد. سپس او را داخل بهشت می‌کنم و بنده‌ای نیست که اراده کرده باشم او را داخل جهنم کنم؛ مگر اینکه جسم او را سلامت بدارم تا این در مقابل طلبی که دارد قرار گیرد و یا اینکه او را از سلطانش ایمن می‌دارم تا در مقابل طلبی که از من دارد، قرار گیرد و یا اینکه رزقش را وسعت می‌دهم تا در مقابل طلبش قرار گیرد و یا اینکه مرگ را بر او آسان می‌گیرم تا حسنه‌ای از او نزد ما نباشد و نزد ما بیاید. سپس او رادر جهنم داخل می‌کنم»^۲.

۱۲. مصافحه

امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا صَافَحَ الْمُؤْمِنَ تَفَرَّقَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ»^۳ به درستی که وقتی مؤمن با مؤمن دیگر مصافحه کند، بدون گناه جدا می‌شوند.

۱۳. شهادت

رسول خدا فرمودند: «برای شهید هفت خصلت از طرف خداوند می‌باشد:

۱. با قطره‌ای از خون او تمام گناهانش بخشیده می‌شود.
۲. سر او در دامن دو همسر او از حورالعین قرار می‌گیرد و غبار چهره او را پاک می‌کنند و به او می‌گویند: خوشا به حالت، نعمت‌هایی که می‌بینی، متعلق به توست.
۳. به او لباس بهشتی می‌پوشانند.
۴. مأموران بهشتی انواع بوهای خوش را در اختیار او می‌گذارند؛ هر کدام را که خواست، انتخاب می‌کند.
۵. منزل خود را در بهشت می‌بیند.

۱. مکارم الأخلاق؛ ص ۳۵۸.

۲. کافی؛ ج ۲، ص ۴۴۶.

۳. وسائل الشیعة؛ ج ۱۲، ص ۲۲۱.

۶. به روح او گفته می‌شود در بهشت دائم به سر ببر.

۷. شهید نظر می‌کند به خدا و این بهترین آرامش برای هر شهید و نبی می‌باشد.^۱

۱۴. تشیع جنازه

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «یا مُوسَى بْنِ سَيَّارٍ مَنْ شَيَّعَ جَنَازَةَ وَلِيِّ مِنْ أَوْلِيَائِنَا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ لَأَ ذَنْبَ عَلَيْهِ الْخَبْرُ»^۲ ای موسی بن سیار! کسی که جنازه ولی از اولیای ما را تشیع کند، از گناه خارج می‌شود؛ مثل روزی که از مادر متولد گردیده که هیچ گناهی براو نیست.

۱۵. تعلیم و آموزش

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ تَعَلَّمَ مَسْئَلَةً وَاحِدَةً قَلَّدَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلْفَ قَلَائِدٍ مِنَ النَّوْرِ وَغَفَرَ لَهُ أَلْفَ ذَنْبٍ وَبَنَى لَهُ مَدِينَةً مِنْ ذَهَبٍ وَكُتِبَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى جَسَدِهِ حَجَّةٌ»^۳ کسی که یک مسئله را به کسی یاد دهد، خداوند در روز قیامت هزار گردن‌بند از نور به گردن او می‌آویزد و هزار گناه از او می‌بخشد و شهری از طلا برای او بنا می‌کند و برای هر یک از موی بدن او یک حج برای او می‌نویسد.

۱۶. روزه (به ویژه ماه شعبان)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: «شَعْبَانُ شَهْرِي وَرَمَضَانُ شَهْرُ اللَّهِ فَمَنْ صَامَ مِنْ شَهْرِي يَوْمًا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ صَامَ مِنْهُ يَوْمَيْنِ كَانَ مِنْ رُفَقَاءِ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ صَامَ الشَّهْرَ كُلَّهُ وَ وَصَلَهُ بِشَهْرِ رَمَضَانَ كَانَ ذَلِكَ تَوْبَةً لَهُ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ وَ لَوْ مِنْ دَمٍ حَرَامٍ»^۴ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: شعبان ماه من است و رمضان ماه خدا؛ پس کسی که یک روز از ماه من را روزه بگیرد، بهشت بر او واجب می‌گردد و کسی که دو روز روزه بگیرد، از دوستان انبیا و صدیقین در روز قیامت قرار می‌گیرد و کسی که همه ماه را روزه بگیرد و وصل کند آن را به ماه رمضان، برای او توبه از همه گناهان از کوچک و بزرگ ولو از خون حرام قرار می‌دهد.

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱۵، ص ۱۶.

۲. مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۲۹۴.

۳. بحار الانوار؛ ج ۱، ص ۱۸۰.

۴. بحار الانوار؛ ج ۹۴، ص ۸۱.

۱۷. صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام

از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «کسی که نمی‌تواند کاری کند که گناهانش پاک شود، پس باید زیاد بر محمد و آل او صلوات بفرستد؛ زیرا زیاد فرستادن صلوات گناهان را از بین می‌برد».^۱

۱۸. حسن خلق

خوش اخلاقی نیز سبب بخشوده شدن گناهان می‌شود. چنانچه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «خوش اخلاقی مانند حرارت خورشید، گناهان را از بین می‌برد».^۲

۱۹. سجده فراوان

شخصی نزد پیامبر اسلام آمد و عرض کرد گناهانم زیاد شده است. حضرت فرمودند: «زیاد سجده کن؛ زیرا سجده فراوان، مانند باد که برگ‌ها را روی زمین می‌ریزد، گناهان را از بین می‌برد».^۳

۲۰. انفاق

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کفاره گناهان بزرگ و عظیم، فریادرسی از بیچارگان می‌باشد».^۴

یادآوری:

۱. بعضی از گناهان را نمی‌توان فقط با توبه یا راه‌های دیگر پاک کرد و اینها گناهی هستند که با انجام آنها، هم حق خداوند را ضایع کرده‌ایم و هم به دیگران ظلم نموده‌ایم؛ مثل غیبت، تهمت، دزدی یا آزدن پدر و مادر و ... در اینگونه گناهان افزون بر راه‌های قبل، لازم است حقی که از دیگران ضایع نموده‌ایم را تا اندازه‌ای که ممکن است، جبران نماییم تا این نوع از گناهان نیز پاک شوند.
۲. هر چند اگر انسان توبه خود را شکست، باز هم باب توبه به روی او باز است؛ اما در روایات آمده است کسی که از گناهانش استغفار می‌کند، در حالی که باز آن گناه را انجام می‌دهد، مثل کسی است که پروردگار خویش را به مسخره گرفته است.^۵

۱. امالی صدوق؛ ج ۴، ص ۶۸.

۲. بحارالانوار؛ ج ۷۴، ص ۳۹۵.

۳. امالی صدوق؛ ج ۱۱، ص ۴۰۴.

۴. نهج البلاغه؛ حکمت ۲۴.

۵. مجموعه ورام؛ ج ۲، ص ۲۲۳.

فقره دوم: پاکی از عیب‌ها

وَ طَهَّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ:

و از هر عیب و نقص پاک ساز.

خدایا مرا از عیب‌هایی که به آن مبتلا هستم پاک کن. غیبت، ریا، تکبر، عجب، حسد و... اینها همه عیب هستند، عمل معیوب مقبول درگاه الهی نیست. در فقره دیگری از دعای امروز طلب می‌کنیم: وَ طَهَّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ: خدایا مرا از نقص‌ها و عیب‌ها پاکیزه گردان، عیوب باطنی که گاهی در اعمال و رفتار ما تجلی و نمود پیدا می‌کنند، صفات زشت اخلاقی هستند که در آدمی ریشه دوانیده و باید وجود را از آنها پاک نمود، تا قلب و دل و اعضاء و جوارح، با هم و یک صدا در خدمت خدای متعال قرار گیرند. بعضی از این عیوب باطنی عبارتند از: کینه‌توزی، حسدورزی، ریا، عُجب، تکبر، حب مال و مقام، غرور و آنچه از این صفات زشت باطنی سرچشمه می‌گیرد و در اعضاء و جوارح نمود پیدا می‌کند، می‌توان شکم‌پرستی، شهوت جنسی، مجادله، خصومت‌ورزی، فحش و ناسزا گویی، شعر و غنا، مسخره و استهزاء، افشاء سر، دروغ‌گویی، نکوهش، غیبت، سخن‌چینی، خشم و غضب، ظلم و تعدی به حقوق دیگران را نام برد.

ارزیابی و قبولی اعمال

مردی گوید به معاذبن جبل گفتم:

برای من حدیثی را که خود از رسول خدا ﷺ شنیده‌ای و ضبط نموده و هر روز متذکر آن هستی و از احادیث قابل دقت است، بازگو نما. معاذ گفت: بسیار خوب؛ ولی شروع به گریه کرد. گفتم: خاموش شو و بگو. سپس با صدای بلند گفت: پدر و مادرم فدای پیغمبر باد.

روزی حضرت رسول ﷺ نظر مبارک را به طرف آسمان افکند و عرضه داشت: حمد و سپاس خدایی را سزد که آنچه بخواهد و دوست داشته باشد، درباره مخلوق خود فرمان داده و انجام می‌دهد. سپس فرمود: ای معاذ! عرضه داشتم: لیبک ای رسول خدا و راهنمای خیر و خوبی و ای پیامبر رحمت.

حضرت فرمود: اگر این حدیث را ضبط کنی، زندگی برایت سودمند است و اگر بشنوی و ضبط نکرده و مراعات ننمایی، هیچ عذری در پیشگاه حضرت حق نخواهی داشت. سپس فرمود: خداوند متعال پیش از خلقت آسمان‌ها، هفت فرشته آفرید و پس از خلقت آسمان‌ها که سراسر آنها را پرده‌ای از عظمت و جلال پوشانیده بود در هر یک

از آنها ملائکه‌ای قرار داد و بر در هر آسمانی ملکی با عنوان دربان مقرر داشت و فرشتگان اعمال که تمامی عمل انسان را از صبح تا شب حفظ و ضبط می‌فرمایند و می‌نویسند عمل بنده را به طرف عالم بالا می‌برند و این عمل مانند آفتاب می‌درخشد.

هنگامی که به آسمان اول می‌رسند، از عمل بنده تعریف و تمجید می‌نمایند. فرشته دربان می‌گوید: توقف کن و عبور ننما و این عمل را به صورت صاحب آن بزن، من فرشته موکل به عینیت هستم. هر کس غیبت کسی را نموده باشد، نمی‌گذارم عملش از اینجا عبور نماید. این مأموریتی است که پروردگار به من داده است.

فرمود: روز بعد که می‌شود فرشته نگهبان عمل، باز عمل بنده را بالا می‌برد و با تزکیه و تمجید عمل را از آسمان اول عبور می‌دهد و به آسمان دوم می‌رسد. در آن هنگام فرشته دربان اخطار توقف نموده و می‌گوید: این عمل را برگردان و به صورت صاحبش بزن؛ زیرا منظور صاحب عمل، انگیزه دنیوی بوده و من مأمور بازرسی اغراض دنیوی اعمال هستم و نمی‌گذارم این عمل از اینجا عبور کند.

حضرت فرمود: سپس مجدداً عمل بعدی را با کمال سرور و خوشحالی بالا می‌برد و نگهبانان عمل خوشحالند و می‌رود تا آسمان سوم. آن فرشته دربان می‌گوید: بایست و این عمل را بر پشت و صورت صاحبش بزن. من فرشته مأمور متکبران هستم. این شخص با این عمل بر دیگران تکبر نموده و در مجالس، خود را برتر از آنها دید. پروردگار به من فرمان داده نگذارم چنین عملی از اینجا عبور نماید.

و فرمود: حافظان عمل باز هم عمل دیگر بنده را که مانند ستاره درخشان نورانی و روشن است و صدای تسبیح از او می‌آید و روزه و حجش پیدا است، بالا می‌برند. در آسمان چهارم آن فرشته دربان می‌گوید: توقف کن و این عمل را به صورت و شکم صاحبش بزن. من فرشته عجب و خودبینی هستم. این شخص با این عمل به خود، خوش بین شده و به خود می‌بالید. پروردگار به من دستور داده که مانع از عبور چنین عملی بشوم. این عمل را به صورت صاحبش بزن.

فرمود: ملائکه اعمال عمل بنده را که در کمال آراستگی و زینت است، مانند عروسی که آرایش و آراسته شده بالا می‌برد، با جهاد و نماز و نوافل مابین نمازهای واجب و آثار ناله و تضرع چون ناله شتر از آن عمل پیدا است و مانند آفتاب می‌درخشد تا به آسمان پنجم می‌رسد. فرشته دربان فرمان توقف داده و می‌گوید: من مأمور بازرسی اعمال حسودان هستم. برگرد و این عمل را به صورت صاحبش بزن و بر کول او بار کن که این شخص بر کسانی که علم و دانش فرا می‌گرفتند و برای خدا اعمال را انجام می‌دادند، حسد ورزیده و رشک می‌برد و اگر در کسی امتیاز و فضیلتی

در عمل و عبادت می‌دید، ناراحت شده و حسادت می‌نمود و غیبت و تهمت بر او می‌زد و این فرشته عمل آن شخص را بر دوش او باز می‌نماید و همین عمل صاحبش را لعنت می‌کند.

فرمود: باز عمل را بالا برده تا آسمان ششم، فرشته دربان می‌گوید: توقف کن. من مأمور بررسی رحمت و مهربانی صاحب اعمال هستم. این عمل را به صورت صاحبش بزن و چشمش را نابود کن؛ چون این شخص محبت و رأفتی ندارد. اگر بنده‌ای از بندگان خدا در اثر لغزش گناهی را مرتکب می‌شد و یا اتفاق ناگوار و مصیبت و زیانی برای او رخ می‌داد، این شخص به جای نصیحت و همدردی، آن طرف را سرزنش و شماتت می‌نمود. پروردگار من فرمان و دستور داده که نگذارم عمل چنین اشخاصی از اینجا عبور کند. فرمود: ملائکه اعمال دیگر را که توأم با فقه و فقاقت و کوشش کامل و توأم با ورع و تقوی است، بالا می‌برد و این عمل صدایی رعدآسا و نور و روشنایی همچون برق درخشان دارد و سه هزار فرشته همراه او هست و تمام آسمان‌های شش‌گانه و درجات و مراتب را پیموده تا به آسمان هفتم می‌رسد.

ناگهان فرشته آسمان هفتم اخطار توقف داده و دستور می‌دهد که این عمل را به صورت صاحبش بزن. من مأمور بازرسی حجاب اعمال هستم. هر عملی که بین آن و خدا حجابی باشد و در آن انگیزه غیر خدا باشد، برمی‌گردانم. صاحب این عمل منظورش این بود که با این عمل ارتقاء مقامی در نظر فرماندهان به دست آورد و نام بلندی در مجالس و محافل کسب کند و شهره آفاق گردد. پروردگار بزرگ به من دستور داده هر عملی که خالص برای او نباشد، بازگردانم و مانع از عبور آن شوم.

فرمود: سپس ملائکه عمل بنده را از قبیل اخلاق نیک و سکوت و ذکر فراوان (همه گونه عبادت) با کمال خوشحالی بالا می‌برد و تمام ملائکه هفت آسمان در مشایعت آن عمل هستند و مراحل هفت‌گانه را گذر کرده و می‌پیمایند تا به حریم خداوندی رسیده و همگی آنها به اعمال صالحه و دعا و مناجات این شخص گواهی می‌دهند؛ ولی خداوند متعال می‌فرماید:

ملائکه من! شما فقط حافظ و نگهبان عمل هستید؛ ولی من به اعماق دل او و خاطرات و نیات پنهان او آگاه و مراقبم. در این عمل هدف حقیقی او من نبوده‌ام [انگیزه‌های درونی گاهی به گونه‌ای است که فرشتگان او را دانسته و بر او آگاهند و گاهی به طوری مخفی و پنهان و در باطن قرار گرفته که فرشتگان به آن مرحله از ریا آگاهی ندارند؛ بلکه ممکن است طوری باشد که خود انسان هم آگاهی کامل به او نداشته باشد. فقط در بعضی از مواقع بحرانی و رویدادهای شدید و فوق‌العاده و یا در

عالم رؤیا و نظایر آن انسان می تواند به آن ضمیر سر و باطن راه یابد؛ اما خداوند عالم السر و الخفیات به تمام اسرار و رموز باطن و حالات و کیفیات درونی کاملاً آگاه و مطلع هست [لعنت من بر این شخص باد. ملائکه هم می گویند: خدایا لعنت تو و لعنت ما بر او باد.

راوی حدیث می گوید: معاذبن جبل سخت گریست و سپس گفت: به رسول خدا ﷺ عرضه داشتم: یا رسول الله! با این وضع من چه کنم و چگونه عمل نمایم؟ حضرت فرمود: ای معاذ! به پیامبر خود تاسی و اقتدا کن، در داشتن حالت یقین. گفتم: چطور ممکن است؟ چون شما رسول خدا هستید؛ ولی من معاذبن جبل یک فرد و عادی عامی.

حضرت فرمود: اگر در عملت کوتاهی داری و آن طور که باید نمی توانی عمل کنی، برنامه زندگی را چنین تنظیم کن که زبانت را از انتقاد برادران دینی حفظ کنی و همچنین از افرادی که اهل قرآنند باش و همیشه به گناه خود اعتراف داشته باش و گناه را به گردن دیگران مینداز و با نکوهش دیگران خود را بزرگ مشمار و ریا و خودنمایی را در اعمال خود وارد نکن و در اعمال اخروی انگیزه دنیوی را راه مده و فحش و ناسزا به مردم مگو که مردم از تو روی گردان شده و در نتیجه خیرات و عواید دنیوی از دستت می رود و پرده دری مکن که سگ های دوزخی تو را می درند.

خداوند متعال می فرماید: «وَالنَّاشِطَاتِ نَشِطًا» درندگان و درهم شکنندگان. می دانی ناشطات یعنی چه؟ یعنی سگان دوزخی که گوشت و استخوان را دریده و در هم می شکنند.

عرض کردم: یا رسول الله چه کسی می تواند این برنامه را داشته باشد؛ چون مراقبت به این صفات بسیار مشکل و دشوار است.

حضرت فرمود: چنین نیست و کسی که توفیق الهی شامل حال او باشد، برای او خیلی سهل و آسان است. راوی حدیث می گوید: معاذبن جبل این حدیث را همیشه بازگو می کرد و بیشتر از قرآن می خواند.^۱

فقره سوم: آزمایش به تقوای دل

وَأَمْتَحِنُ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ:

و دلم را با رتبه دل های اهل تقوی آزمایش کن.

۱. بحارالانوار؛ ترجمه ج ۶۷ و ۶۸، ج ۱، ص ۲۵۳.

در ادامه از خداوند متعال درخواست می‌کنیم قلب و دل ما را آزمایش کند به تقوای دل، نه زبان؛ زیرا ممکن است زبان ما حرف از تقوی بزند؛ ولی قلب و دل ما از آن بی‌خبر است و بهره‌ای از تقوی نداشته باشد.

می‌دانیم که امتحانات الهی اختصاص به قشر خاص ندارد؛ بلکه عامه مردم، حتی انبیاء الهی مورد امتحان قرار می‌گیرند؛ مانند امتحان حضرت ابراهیم علیه السلام در دستور به ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام و امتحان حضرت ایوب به فقر و بیماری؛ ولی تفاوتی که در امتحان حضرات معصومین و افراد عادی است، در شکل امتحان است.

هدف از امتحان الهی

۱. تصفیه قلوب: «وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ»^۱: تا خدا آنچه در سینه پنهان دارید، بیازماید و هر چه در دل دارید، پاک و خالص گرداند.

۲. تصفیه نفوس: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ»^۲: خداوند هرگز مؤمنان را بدین حال کنونی وانگذارد تا آنکه بدسرشت را از پاک‌گوهر جدا کند.

۳. شناخت مجاهدین: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ»^۳: شما را امتحان می‌کنیم تا مجاهدین شناخته شوند.

۴. شناخت نیکوکار: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»^۴: خدایی که مرگ و زندگانی را آفرید تا شما بندگان را بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارتر است.

تقوای قلب چیست؟

هر کدام از اعضا و جوارح ما برای خود شأن و منزلت و حقوقی دارند که رعایت تقوا در مورد آنان لازم و ضروری است. در این فقره از دعا از خداوند می‌خواهیم که ما را به تقوای قلب امتحان کند؛ زیرا صیانت باطن و ظاهر از این تقوای قلب سرچشمه می‌گیرد.

۱. آل عمران: ۱۵۴.

۲. همان: ۱۷۹.

۳. محمد: ۳۱.

۴. ملک: ۲.

قرآن کریم تقوا را به دل‌ها منسوب می‌داند؛ آنجا که می‌فرماید:
 «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^۱ و هرکس شعائر دین خدا را
 بزرگ و محترم بدارد، این از ویژگی‌های دل‌های باتقواست.

علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر شریف المیزان ذیل این آیه می‌نویسد:
 «اضافه شدن تقوا به قلوب اشاره است به اینکه حقیقت تقوا و دوری از غضب
 خدای تعالی و تورع از محارم او، امری است معنوی که قائم است به دل‌ها و
 منظور از قلب، دل و نفوس است»^۲.

اگر می‌خواهیم باتقوا باشیم، باید ابتدا دل را اهل تقوا کنیم تا به دنبال آن جسم نیز
 اهل پرهیزکاری شود. خدایا! قلبی با تقوا را روزی ما بگردان.

و این مفهوم کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که فرمود:
 کسی که تقوا را شعار قلبی خود قرار دهد، در خیر و نیکویی از دیگری سبقت
 گرفته و در کردار رستگار گردید.

تقوای قلب، در نگهداری دل از وسوسه‌های شیطانی و ریا و تظاهر و انگیزه‌های
 غیرالهی و شهرت طلبی است. تقوای قلب خضوع و فروتنی و خدا را با چشم دل دیدن
 و قیامت را به یاد داشتن و به فکر حساب و کتاب و رستخیز بودن است و بنابراین
 کسی دارای تقوای قلب است که شعائر الهی را بزرگ می‌شمارد.

ارتباط تعظیم شعائر الهی و تقوای قلب روشن و آشکار است؛ زیرا چه بسا افراد
 متظاهر و یا منافق، تظاهر به بزرگداشت شعائر و ارزش‌ها می‌کنند؛ ولی چون از قلب
 آنها سرچشمه نمی‌گیرد، بی‌ارزش است و کسی می‌تواند به این مرحله تقوای دست
 یابد که مطیع خدا و رسول او باشد و فرامین آنان را با جان و دل اجابت نماید و در هر
 حال باور داشته باشد که خدای متعال سلطان ملک وجود و ما بندگان مورد امتحان قرار
 گرفته‌ایم.

امام علی علیه السلام در مناجات خویش با خداوند متعال چه زیبا فرموده است:
 «مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ السُّلْطَانُ وَ أَنَا الْمُمْتَحَنُ وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُمْتَحَنَ إِلَّا السُّلْطَانُ»^۳

۱. حج: ۳۲.

۲. المیزان؛ ج ۱۴، ص ۵۲۸.

۳. مفاتیح الجنان؛ مناجات حضرت امیر علیه السلام در مسجد کوفه.

همچنین، در سخنی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌خوانیم:

«فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ وَ بَصْرٌ عَمَى أَفْتِدَتِكُمْ وَ شِفَاءٌ مَرَضِ أَرْجَسَادِكُمْ وَ صَلَاحٌ فَسَادِ صُدُورِكُمْ وَ طَهُورٌ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ وَ جَلَاءٌ غَشَاءِ أَبْصَارِكُمْ وَ أَمْنٌ فَنَعِ جَاشِكُمْ وَ ضِيَاءٌ سَوَادِ ظُلْمَتِكُمْ»^۱ همانا تقوای الهی درمان بیماری قلوب شما و بینایی کوری دل‌های شما و شفای مرض‌های جسمانی شما و صلاح فساد سینه‌های شما و پاکی زشتی‌ها و روشنائی‌بخش تاریکی چشم‌های شما و امنیت در ناآرامی‌ها و روشن‌کننده تاریکی‌های شماست.

فقره چهارم: توبه‌پذیری خدا

يَا مُقِيلَ عَثْرَاتِ الْمُذْنِبِينَ:

ای پذیرنده عذر لغزش‌های گناهکاران.

در پایان دعای امروز خدای متعال را چنین می‌خوانیم: ای پوزش‌پذیر خطاهای گناهکاران.

خداوند در سوره توبه می‌فرماید:

«أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ»^۲ آیا نمی‌دانند که فقط خداوند توبه

را از بندگانش می‌پذیرد؟

قبلاً بیان شده که بخشی از گناهان، کبیره و بخش دیگری صغیره می‌باشند، افزون بر این معاصی بزرگ و کوچک، گاهی از روی خطا و سهو، زشتی‌ها و گناهانی از ما سر می‌زند که در واقع به دلیل تسلط شیطان و نفس اماره بر وجود ماست؛ بنابراین از خداوند می‌خواهیم عذرخواهی و پوزش ما را بپذیرد و به فضل و کرمش از خطاهای ما بگذرد.

بیست سال عبادت و بیست سال معصیت

جوانی در بنی‌اسرائیل زندگی می‌کرد و به عبادت حق تعالی مشغول بود. روزها را به روزه و شب‌ها را به نماز و طاعت. تا بیست سال کارش همین بود تا که یک روز فریب خورده و کم‌کم از خدا کناره گرفت و عبادت‌ها را تبدیل به معصیت و گناه کرد و از جمله گناهکاران قرار گرفت و در این کار بیست سال باقی ماند یک روز آمد جلو آئینه خود را ببیند، نگاه کرد دید موهایش سفید شده. از معصیت‌های خود بدش آمد و از کرده‌های خود سخت پشیمان گردید.

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۹۷.

۲. توبه: ۱۰۴.

گفت: خدایا بیست سال عبادت و بیست سال معصیت کردم. اگر برگردم به سوی تو، آیا قبولم می‌کنی؟
صدایی شنید که می‌فرماید:
«اجبتنا فاحببناک ترکتنا فترکناک و عصیتنا فامهلناک و ان رجعت الینا قبلنا»: ' تا آن وقتی که ما را دوست داشتی، ما هم تو را دوست داشتیم. ترک ما کردی، ما هم تو را ترک کردیم، معصیت ما را کردی، تو را مهلت دادیم؛ پس اگر برگردی به جانب ما، تو را قبول می‌کنیم.
پس توبه نمود و یکی از عباد قرار گرفت. از این مرحمت‌ها از خدا نسبت به همه گنهکاران بوده و هست.